

بسم الله الرحمن الرحيم

آینده انقلاب (جلسه اول)

حجت الاسلام مصطفی امینی خواه

مقدمه

عنوان بحثی که گذاشته اند انقلاب اسلامی است. در مورد انقلاب اسلامی و آینده ، حرف های زیادی هست. در این چند جلسه سعی می کنم به صورت فشرده نکاتی را عرض کنم.

سوال و بحث و شبهه زیاد است هم در دانشگاه هم حوزه هم قم هم مازندران. دائم مواجه هستیم و سوال می پرسند تا کی می خواهد وضع این طور باشد؟. این طور ، چیزی از دین مردم نمی ماند. چیزی از اقتصاد نمی ماند.

نگرانی ها زیاد است درباره اصل انقلاب. درباره اصل اسلام و وضعیت مردم. وضعیت مهاجرتی که الان پیش آمده است. که هر کشوری ویزا را برداشته بود در حال برگرداندن ویزا هست و الان سیل مهاجرتی اتفاق می افتد و بر نمی گردند.

این ها هست. آمارهایی هست که آدم خبر دارد و واقعا تاسف بار است.

من سعی می کنم حرف هایی بزنم که حالت شعاری نداشته باشد. سبک ما را هم دوستان آشنایی دارند و با سبک امنیتی رایج خیلی متفاوت است. نوع نگاهمان به اصل انقلاب و اینها یک نوع نگاه نرم افزاری است نه سخت افزاری. معمولا تحلیل ها از باب سخت افزار است و این که کارکرد انقلاب در حوزه سخت افزار چه بوده است.

البته این هم خوب است و نمی‌خواهم نفی بکنم. ولی فضای ما این نیست که در لبنان چه کردیم و نیجریه چه شده است و در میانمار چه اتفاقی افتاده است. هلال شیعی و.. که مطرح می‌شود نون و آب نمی‌شود و کسی با این قانع نمی‌شود.

ماه مبارک عرض کردم خدمت شما که ما حرفه‌ایمان درباره یک نکته است و آن در مورد خود خداست. اصل صحبت‌های ما درباره خود خداست و در مورد چیز دیگری بحث نداریم.

برنامه خدا برای آینده

در مورد انقلاب هم می‌خواهیم صحبت کنیم در مورد خدا می‌خواهیم صحبت کنیم. این که خدا برنامه‌اش درباره با چه چیزی است.

خدا برنامه‌ای که برای آینده برای خودش چیده است چه چیزی است؟

ما می‌خواهیم درباره این صحبت کنیم. خیلی کاری با انقلاب و اینها نداریم.

حضرت عبدالمطلب به آن سپاه ابرهه گفت که من آمده‌ام شترهایم را بگیرم. این معروف است. آنها گفتند ما آمده‌ایم کعبه را تخریب کنیم. گفت للبت ربّ! برای خانه صاحبی هست، شترهای من را بدهید که بروم.

ما در مورد انقلاب و اینها خیلی صحبتی نداریم. برخی از رفقای که پیام می‌دهند به آنها می‌گوییم که نسبت به انقلاب نگرانی نداشته باشیم. ما باید بیشتر نسبت به خودمان نگرانی داشته باشیم. ما در معرض خطر هستیم.

حضرت امام (ره) و رهبر انقلاب هم خیلی نسبت به انقلاب این گونه ترس، واهمه و نگرانی نداشتند. بیشتر نگرانی‌ها چیزهای دیگری است. مسائل دیگری هست که نگران‌کننده است و کمتر به آن توجه می‌شود. در مورد آن باید بیشتر صحبت کرد.

أَنَا رَبُّ سُرْحَى الَّذِي أَخَذَهُ أَصْحَابُكَ، فَجِئْتُ أَسْأَلُكَ فِيمَا آتَا رَبُّهُ، وَ لِلْبَيْتِ رَبِّ هُوَ أَمْنَعُ لَهُ مِنَ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، وَ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ. (الأمالي (للطوسي)، ص: ۸۱)

درمورد آینده انقلاب چرا صحبت کنیم؟ بیا باید درمورد آینده صحبت کنیم. آینده چه می شود؟
واقعا آینده چه می شود؟ آینده ما، آینده جامعه.

انقلاب اسلامی یک پلتفرم برای یک گفتمان فکری است. یک محتوایی یک قالبی پیدا کرده است. محتوای آن، محتوای دینی ایدئولوژی اسلامی است و قالب آن جمهوری است که با رای مردم است. بنیان های نظام همه اش توسط مردم از صدر تا ذیل انتخاب شده است یا مستقیم یا غیر مستقیم. این قالبش است. من در مورد فرم انقلاب صحبت ندارم. در مورد محتوا هم صحبت ندارم.

عرض کردم عنوان بحث آینده انقلاب است اما درباره انقلاب خیلی بحث ندارم. ولی آینده این دو تا که یکی جامعه آخرش به کجا می رود؟ و یکی دین که آخرش به کجا می رود؟. اگر این دو تا فهمیده شد، آینده انقلاب هم فهمیده می شود که چه اتفاقی می افتد.

آیه ۵۵ سوره نور، درباره آینده دین و جامعه

درمورد آینده دین و جامعه آیه ای داریم که هر دوی اینها را ترکیب کرده است و گفته است. من اول با قرآن شروع می کنم، اشتباه نکنید. بحث من قرآنی نیست.

یک کتاب خوبی امسال چاپ شده است از آدام آلتز به نام لطفا زامبی نباشید! ترجمه اش برای امسال است. کتاب عالی است. اصل کتاب درباره اعتیاد به فضای مجازی است. ولی یک جامعه شناسی خیلی دقیق و عمیق نسبت به وضعیت فعلی آمریکا دارد که من روی این می خواهم بحث کنم.

خود این کتاب تحلیل های فوق العاده ای می دهد. اول آیه را بخوانیم بعد برویم سراغ این کتاب.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...^۲

خدا وعده داده است که آنهایی که عمل صالح انجام دهند حتماً آنها را در زمین خلیفه می کند. چه کسی را؟ آنهایی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند.

كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ هَمَانطور كه قبلی‌ها را خلیفه کرده است.

لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ برای این‌ها تمکین می‌کند، ایجاد مکننت می‌کند نسبت به دینی که از آن راضی است. آن دینی که از آن راضی هستم آخر همه جا را می‌گیرد؛ این درباره دین.

جامعه چه می‌شود؟

لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا

هر چه نسبت به آن ترس دارند برطرف می‌شود. جامعه به امنیت مطلق می‌رسد.

علامه طباطبایی ذیل این آیه خیلی نکات فوق العاده ای فرمودند. یکی از نکات این است که می‌فرمایند: «امنا» گفته است یعنی هر آنچه که از امنیت بتوان تصور کرد ایجاد می‌شود. امنیت فرهنگی، اعتقادی و امنیتی. ولی به شالوده‌ای. به شالوده دینی که از آن راضی‌ام.

آنهایی که از آن ناراضی هستم، این قلبی‌ها و من درآوردی‌ها همه جمع می‌شوند. بعد آخر چه اتفاقی می‌افتد

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

آخر این طور می‌شود که جامعه را این طور می‌کنم. دین را این طور می‌کنم. آخر فقط من پرستیده می‌شوم. شریک دیگر ندارم.

مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

نکته خوبی اینجا هست که آخر همه چیز می‌افتد دست من. خداوند می‌گوید، من طوری مدیریت می‌کنم که آخر دست من بیفتد.

این که آینده دنیا دست خدا باشد چه خاصیتی دارد؟

این جلسه می‌خواهیم درباره آن مدیریت صحبت می‌کنیم که چگونه مدیریت می‌افتد دست خداوند. و درباره این صحبت خواهیم کرد که اگر کار دست خدا بیفتد چه خاصیتی دارد.

این الان بشارت است؟ خیلی دلمان گرم شد؟ یک روزی می آید که فقط خدا پرستیده شود. خب من چه کار کنم؟ بگو دلار چند می شود؟ می خواهد پرستیده بشود می خواهد نشود!

الان مسئله را توانستم جا بیندازم؟ الان مسئله ما این نیست که خدا پرستیده شود یا نه. چون احساس می کنیم که خیلی ربط به جیب و امنیت و اینهایمان ندارد. خدا می خواهد پرستیده شود یا نشود فرقی به حال من نمی کند.

در حالی که طرح مسئله ای که خدا می کند این است. می گوید ببین مشکل آن روزی حل می شود که من پرستیده شوم فقط!

ما امروز در مسیر جاده وقتی از قم به مازندران می آمدیم با پدرخانم مان سر آدرس خیلی مشکل داشتیم. قبلا این طور بود که پدر خانوممان مثلا می گفت این تابلو زده این طرف برو ما می گفتیم این طرف به نظر می رسد. تا این که نرم افزار های جدید نقشه آمد. اینبار که از قم آمدیم بیرون یک آدرس از گرمسار به فیروزکوه به ما داد و یک ساعت راهمان کمتر شد. راه عجیب غریب هم بود.

ما خیلی به این تعبد داشتیم. هر جا می گفت همان می رفتیم. بعضی جاها پدر خانم می گفت این اشتباه می گوید. می گفتم این مسیر را نرم افزار می گوید. ما این را می گرفتیم می آمدیم.

این یعنی مرجع واحدی که صلاحیت دارد برای اظهار نظر. مسیر را می شناسد. این وقتی خط و خطوط را بدهد هم مستقیم می آید و هم دعوای شما برطرف می شود و هم به آن جایی که می خواهید می رسید.

اتفاقی که می افتد این هست که یک ماهواره است همه اطلاعات را دارد. آمار همه جاها را دارد. همه را می شناسد این اتوبان کجا هست. فرعی ها کدام طرف است. کجا شلوغ است. کجا تصادف شده است. اینجا پمپ بنزین است اینجا پمپ گاز است. اونجا مسجد است. همه را خبر دارد.

شما کجا می خواهید بروید؟ کار را به من بسپارید. اگر همه با این بیایند کسی دیر نمی رسد. فقط حرفش را باید گوش داد. نگو من رفتم این مسیر بهتر است. وقتی گفت بیچ به راست باید به راست بیچید.

وقتی با این دیتا می آیی دیگر مشکلی نیست: *يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا*

یک جا را وقتی همه بگیرند آخرش به نتیجه می رسند. همه می رسند به این نرم افزار. جامعه با این اداره می شود و همه چیز مرتب می شود.

اداره جامعه با تکنولوژی

الان جامعه با چه چیزی اداره می شود؟ با تکنولوژی. مگر بد است؟ نه. پس مشکلش چیست؟ اجازه دهید از این کتاب "لطفاً زامبی نباشید" برایتان بخوانم.

نکته جالبی اول کتاب دارد. اصلاً کل کتاب را نوشته شده برای این:

هیچ وقت نشئه چیزی که خودت ساخته ای نشو!

این جمله فوق العاده است. خیلی قشنگ است. بعد توضیحات می دهد:

می گوید استیب جابز در یکی از رخدادهای شرکت اپل، از آپید پرده برداری کرد. ۹۰ دقیقه جابز درباره آپید صحبت کرد و گفت هرکسی که این را ندارد بدبخت است.

هر کسی که آپید ندارد اصلاً شهروند به حساب نمی آید. تجربه باور نکردنی ای است. تایپ کردن با آن رویایی است و..

نویسنده می گوید اما استیب جابز تا پایان عمرش اجازه نداد فرزندانش آپید داشته باشند.

چند نفر دیگر را هم اسم می آورد. ویلیامز موسس توئیتر هیچ وقت اجازه نداد بچه های خودش وارد توئیتر شوند. فقط برای آنها کتاب می خرید و گوشی تاج هم نداشتند.

از این موارد را فراوان اسم می آورد. می گوید یک اتفاقی دارد می افتد. این حرف ها را از زبان این ها بشنوید:

اتفاقی که الان در دنیا می افتد این است که همه دارند برنامه می ریزند که چگونه با تکنولوژی جمعیتی را سرکار بگذارند.

زامبی هم که می گوید همین ها هستند.

می گوید فلسفه مدرنیته این است: روش سرکار گذاری مردم: ایجاد اعتیاد های نوین، روشهای تخریب و.. در مورد صنایع ورزشی، تفریحی و ارتباطی همین را می گوید. کلا هر جا پای تکنولوژی است، تکنولوژی برای این است که یک مشت آدم برنامه ریزی کنند که چگونه با سرکار گذاشتن مردم بتوانند پول در بیاورند.

چگونگی ایجاد خوانش

یک عده پولدار می آیند و عده دیگری را مشغول می کنند تا این ها از مشغولیت آن ها پول در بیاورند.

این نقطه اول بحث ما!

خود آن خواهش و خوانشِ ایجاد سرگرمی هم یک روش است. این کار رسانه است که یک چیزی را بزرگ کند که به این توجه کن . نداشتن این ، انگار محرومیت از یک امتیاز شهروندی است. من آی پد ندارم . من تلگرام، پیج اینستا ندارم. من حساب در گوگل ندارم . نداشتن اینها خودش یک عامل تحقیر است.

مثلا در فضای دانشگاه فاجعه است که تجربه ارتباط با جنس مخالف را ندارد. تجربه داشتنش یک نوع "شان" است. در جامعه شناسی و رسانه شان یک مساله مهم است. می گوید این در شان من نیست. این در شان من هست.

اصلا شان را چه چیزی شکل می دهد؟

ما در مورد آینده انقلاب اسلامی می خواستیم صحبت کنیم. ربط دارد یا نه؟

آینده انقلاب اسلامی که نه، بلکه آینده جامعه دینی بند به این حرف هاست. دو جریانی که با هم درگیر است برای مدیریت جامعه کاری که می کنند ایجاد شوون می کند. ایجاد اقتضا می کند.

ایجاد شان می کند. بعد شان خواهش ایجاد می کند. خواهش خوانش ایجاد می کند. خوانش همان گفتمان است.

تکنولوژی در خدمت این است. علم در خدمت این است. صنعت در خدمت این است. این یک بخش ماجراست.

جمع بندی برای جلسه بعد

کاری که رخ می دهد این است که یک عده ای عده دیگر را مدیریت می کنند. چه چیز آنها را مدیریت می کنند؟ سرگرمی آنها را. یک سیر دورانی که دائما تند می شود. لذا دائما دوپامین ترشح می شود و فرد لذت می برد. وقتی دیگر ارضاء نشد مقدار آن بالاتر می رود. جایی که ارضاء نمی شود تکنولوژی می آید چیزی دست این می دهد.

یک عده ای پژوهش می کنند که به این تکنولوژی برسند که چگونه به این برسند که سطح آن را بالا ببرند. دانشگاه یعنی جایی که تو صلاحیت داری پژوهش کنی که به اینچنین تکنولوژی برسی. این یک مدل اداره است.

در دنیا دو مدل اداره داریم. یک مدل این است. یک مدل نه مدلی است که بر محور حقیقت است. می گوید من نمی خواهم بازی دربیآورم. می خواهم یک تونل بزنم به سمت واقعیت. این گفتمانی است که انقلاب اسلامی دنبال آن است.

شما می توانید ان قُلت بیاورید که کجا انقلاب اسلامی دنبال آن است. ممکن است من هم با شما موافق باشم که انقلاب اسلامی که الان داریم ممکن هست ۸۰ درصد فاصله داشته باشد. ولی آن ریشه ای که انقلاب اسلامی از آن در آمده است با این نظام درگیر است. این نظامی که یک مشت آدم قوی که قدرت بیشتری دارند آنی که ضعیف تر است را می بلعند. سلسله ای است که به تناسب قدرتت رشد می کنی.

این سلسله از هم پاشیده می شود و نظم نوین جهانی به هم می ریزد و نظم جدیدی شکل می گیرد که بر محور عدالت و حقیقت است.

ما اگر بخواهیم به این طور آینده ای برسیم باید چه سیری را طی کنیم؟

این آینده ای که قرآن گفته است ، نسبت ما با این چه چیزی است؟ با این خیلی عمیق می توان نقد کرد. این که اصل نظام در خطر است و اینها نداریم. اصلا اصل نظام یعنی چه؟ اصلا مسیرمان به چه سمت است. باید چه کاری بکنیم؟